

پژوهشهای تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
دوره جدید، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، ص ۳۵-۴۸

ترجمه کتب سیره و مناقب امامان در عصر صفوی

دکتر حسن حسینزاده شانه‌چی*

چکیده

در دوره حاکمیت صفویان اقدامات گوناگونی برای ترویج و تثبیت مذهب تشیع در ایران انجام شد که یکی از آنها ترجمه متون عقیدتی و دینی شیعه به زبان فارسی، با هدف عمومی سازی فرهنگ تشیع بود. در این راستا، تعدادی از کتب سیره و مناقب امامان نیز به قلم برخی مترجمان و نویسندگان به فارسی برگردانده شد که در بین آنها **کشف الغمّة فی معرفه الائمه**، اثر علی بن عیسی اربلی بیشتر مورد توجه مترجمان قرار گرفت؛ به طوری که چند برگردان فارسی همزمان از آن پدید آمد. این ترجمه‌ها گرچه به ارتقای سطح علمی عمومی شیعیان کمک می‌کرد، ولی به سبب اموری، همچون حذف اسناد روایات و یا گرایش به ادبیات حماسی، مشکلاتی نیز به همراه داشت که مهمترین آنها کاسته شدن از ارزش عملی کتابهای مورد نظر بود.

واژه‌های کلیدی

کتب سیره و مناقب ائمه، صفویان، ترجمه، مترجمان

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان. shanechi_1385@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۸۸/۶/۱۷

تاریخ وصول: ۸۶/۴/۲۸

تدوین سیره و مناقب ائمه در عصر صفوی

تدوین سیره و مناقب دوازده امام که از قرن سوم هجری آغاز شد، با فراز و فرود هایی همراه بوده؛ چنان که شمار کتب مربوط به این موضوع در برخی دوره‌ها با افزایش و در دوره‌های دیگر با کاهش نسبی روبه رو بوده است. برای شناسایی کتابهای مورد بحث، استقرائی در منابع مختلف انجام شد که این منابع شامل کتابشناسی‌ها، مانند الذریعه الی تصانیف الشیعه، نوشته آقابزرگ تهرانی، کتب تراجم و رجال مانند ریاض العلماء و حیاض الفضلاء عبدالله افندی اصفهانی، فهرستهای کتابخانه‌های معتبر داخلی، اعم از نسخه‌های چاپی و نسخه‌های خطی، مانند فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی و نیز خود تألیفات مورد بحث می‌شود. در این بررسی معلوم شد که از قرن دهم هجری؛ یعنی همزمان با حاکمیت یافتن صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ هجری) به مدت دو قرن و نیم، افزایش درخور توجهی در شمار تألیفات مورد نظر دیده می‌شود؛ به طوری که تا پایان حکومت صفویان در مجموع ۳۳ عنوان کتاب در سیره و مناقب دوازده امام به زبانهای عربی و فارسی به رشته تحریر درآمد. بی شک، یکی از عوامل اساسی در این افزایش، موقعیت سیاسی و فرهنگی جدید حاصل از روی کار آمدن صفویان شیعه مذهب بود. حاکمیت صفویان زمینه‌های سیاسی و فرهنگی را برای تدوین سیره و مناقب ائمه، همانند دیگر کتب مذهبی شیعیان، بیش از پیش فراهم کرد؛ چنان که تحت تشویقها و حمایتهای مستقیم و غیر مستقیم شاهان صفوی، بخصوص شاه تهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ هجری)، در کنار کتابهای کلامی و فقهی، کتابهای متعددی نیز در بیان سیره و ذکر مناقب دوازده امام نوشته شد (۲، ۱۰ و ۳).

یکی از تحولات محسوس در تألیفات این دوره،

رویکرد جدی به فارسی‌سازی متون سیره و مناقب ائمه است که این کار در راستای ترویج و تحکیم مبانی مذهب تشیع در بین مردم فارسی زبان ایران اهمیت بسیاری داشت. البته، فارسی‌سازی متون مزبور از قرن ششم هجری آغاز شده بود و در این دوران با توجه به رسمیت یافتن مذهب تشیع اهمیت فوق العاده‌ای یافت. فارسی‌سازی از دو طریق انجام می‌شد: نخست از طریق تألیف کتابهای سیره و مناقب ائمه به زبان فارسی که نمونه‌های آن را در انیس المومنین محمد بن اسحق حموی (تألیف ۹۳۸ هجری)، انوار السرائر ولی بن نعمه الله حسینی حائری (تألیف ۹۸۱ هجری)، تاج المناقب حسین بن عبد الحق اردبیلی (درگذشته ۹۴۰ یا ۹۵۰ هجری)، فوحات القدس استرآبادی و جلاء العیون، از آثار محمد باقر مجلسی (درگذشته ۱۱۱۱ هجری) می‌توان مشاهده کرد.

طریق دوم فارسی‌سازی، ترجمه متون عربی به زبان فارسی بود، که در ادامه بررسی خواهد شد.

ترجمه متون سیره و مناقب در عصر صفوی

نخستین ترجمه‌ها از متون مورد نظر در قرنهای هشتم و نهم پدید آمد، مانند ترجمه‌های حسن بن حسین سبزواری شیعی (ف. قرن هشتم هجری) از کشف الغمه اربلی و مباحث المهج قطب الدین کیدری (۲۰ ورق)؛ ۲۴، ۱۷۶/۱؛ ۴، ۱۶۳/۲). در دوره صفویان فعالیت‌های ترجمه‌ای متون شیعی با جدیت بیشتری دنبال شد و ترجمه‌های بسیاری از متون دینی رایج در محافل شیعه پدید آمد؛ چنان که به گفته مترجم «تاریخ الحکما»ی قفطی که در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم می‌زیسته، تا آن زمان اکثر علوم متداوله و نقلیه به فارسی ترجمه شده بود (۱۰۹۷/۳، ۷). نگاهی به منابع کتابشناسی نیز نشان می‌دهد که در سده‌های دهم و

یازدهم، بیش از پنجاه ترجمه از آثار متقدم و متأخر شیعی در موضوعهای مختلف اعتقادی، تفسیری، سیره-ای، فقهی و ادعیه پدید آمد (۴، ۳۴۰/۱۵، ۱۷، ۱۰/۱۴). دولتمردان صفوی، خود به این امر توجه داشتند و عالمان و نویسندگان را بدان تشویق می‌کردند؛ چنان که در دوره شاه تهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ هجری) و به دستور وی، دو کتاب **کشف الغمّة فی معرفه الائمه**، نوشته علی بن عیسی اربلی و **الاحتجاج** ابو منصور احمد بن علی طبرسی به فارسی ترجمه گردید (۳۱، ورق ۲، ۱۸، ورق ۱۹۰، ۳۱).

بدیهی است که نهضت ترجمه در این دوران نیز در راستای عملکردهای فرهنگی صفویان و در جهت ترویج مذهب تشیع در بین عموم مردم قرار داشت. مترجمان کتب مذکور در بیان علت کار خود به این نکته هم اشاره کرده اند. نعمت الله مشهدی که کتاب **کشف الغمّه** را به دستور یکی از امرای صفوی به نام محمدخان- که در منابع تاریخی این عصر اطلاع دقیقی درباره وی یافت نشد- ترجمه کرده (۷، ۳/۱۱۰۵)، در مقدمه کتابش می‌نویسد که چون اکثر مردم شناخت کافی نسبت به امامان نداشتند و از طرفی امیر مذکور علاقه مند بود تا مقام و جایگاه امامان برای مردم آشکار شود، دستور داد او کتاب **کشف الغمّه** را به فارسی ترجمه کند تا منافع آن به عموم مردم برسد و همه در شناخت امامان به مرحله کمال برسند (۳۱، ورق ۲). در ترجمه‌ای دیگر از کتاب **کشف الغمّه** نیز- که به دستور شاه تهماسب صفوی صورت گرفته - مترجم اظهار می‌دارد که چون این کتاب: "... به لغت عربی مسطور بود و فارسی زبانان را از آن، حظّ شامل و بهره کامل نبود، پس بنابراین، خدام امیر کبیر واجب التوقیر، عنان همت به صوب این مقصود معطوف داشته، رقم تفریس مجلد اول از کتاب مذکور به اسم این فقیر حقیر

زدند" (۱۸، ورق ۱).

گویا نویسندگان عصر نخست صفوی ضرورت بسیاری برای ترجمه این گونه کتابها احساس می‌کرده- اند؛ به طوری که تقریباً همزمان دو ترجمه از **کشف الغمّه** و نیز دو ترجمه از کتاب **الاحتجاج** طبرسی در زمان شاه تهماسب اول انجام شد. شاید بتوان ترجمه-های مکرر از یک کتاب را به علت عدم دسترسی به کتابهای دیگر در این موضوع نیز دانست. البته، این حرکت با همین شدت تا اواخر عهد صفوی ادامه نیافت و روند ترجمه کتب سیره و مناقب امامان با کاهش نسبی در دوره‌های دیگر عصر صفوی روبه رو شد؛ به طوری که در قرن یازدهم هجری، تنها یک کتاب در این زمینه ترجمه شد: **تحفه سلیمانیه** ترجمه کتاب الارشاد، به قلم محمد مسیح کاشانی.

به نظر می‌رسد که نهضت فارسی‌سازی متون سیره و مناقب بر نواحی خارج از قلمرو صفویان هم تأثیرگذار بود؛ به طوری که همزمان با حکومت تهماسب اول، در هندوستان نیز کار ترجمه این آثار به فارسی دنبال می‌شد و نمونه آن ترجمه کتاب **الخراج و الجرائح** قطب الدین راوندی (درگذشته ۵۷۲ هجری) با نام **کفایه المومنین** است (۲۸/ ورق ۲).

مترجمان مشهور عصر صفوی

در این دوره مترجمان چندی ظهور کردند که در زمینه برگردان کتب سیره و مناقب فعالیت داشتند. اغلب آنان عالمان و نویسندگان بنام و پرکار این عصر هستند و برخی نیز از شهرت و آوازه کمتری برخوردارند. همچنین در میان کتب ترجمه شده، گاه آثاری وجود دارد که نام مترجم یا مترجمانشان دانسته نشده و گمنام مانده است. در شناسایی مترجمان این دوره که در موضوع سیره و مناقب آثاری داشتند - همانند شناسایی

الاطهار محمد بن ابی زید ورامینی علوی و **الاحتجاج** طبرسی است.

نظام الدین احمد غفاری

نظام الدین احمد بن محمد بن عبد الغفار قزوینی مازندرانی غفاری از نویسندگان بزرگ این دوره است. او در سال ۹۲۰ هجری در تهران به دنیا آمد و در سال ۹۷۵ هجری در بندر دیبل هند به هنگام مراجعت از سفر حج درگذشت. از تألیفات مشهور وی **تاریخ نگارستان** است که در سال ۹۴۹ هجری آن را به پایان برد و مشتمل بر برخی از حوادث تاریخی جهان اسلام تا دوره قره قویونلوها و آق قویونلوهاست. کتاب دیگر وی **تاریخ جهان آرا** است که برای شاه تهماسب اول نوشته است (۴، ۲۴۷/۳ و ۱۴۷/۲۴). از آثار وی در موضوع مورد بحث ترجمه کتاب **الاحتجاج** طبرسی است که برای سید احمد خان مرعشی، مشهور به جان باز خان انجام داده است (۴، ۷۵/۴).

محمد مسیح کاشانی

محمد مسیح کاشانی، مشهور به مولی مسیح، از مترجمان این دوره است که آگاهی ما درباره زندگانی و شخصیت علمی وی ناچیز است. با این حال، می دانیم که او از شاگردان آقا حسین خوانساری (ف) ۱۰۹۸ هجری^۱ از عالمان بنام دوره صفویه و نیز داماد وی بوده است و گویا پیش از سال ۱۱۲۵ هجری درگذشته است. آقابزرگ تهرانی در این باب به نامه‌ای از سید نورالدین جزائری خطاب به آقا جمال خوانساری (ف) ۱۱۲۵ یا ۱۱۲۱ هجری) استناد می‌کند که در آن جزائری، مرگ محمد مسیح را به آقا جمال خوانساری تعزیت می‌گوید (۴، ۳/ ۴۴۲). اثر موجود از محمد مسیح کاشانی ترجمه کتاب **الارشاد** شیخ مفید

متون ترجمه شده - از منابع کتاب شناسی، کتب تراجم و رجال و فهرستهای نسخه‌های چاپی و خطی کتابخانه‌های داخلی بهره برده شده و سعی شده همه مترجمان مذکور شناسایی و معرفی گردند.

علی بن حسن زواره ای

ابو الحسن علی بن حسن زواره‌ای (ف. قرن دهم هجری) که از وی با عناوین مفسر، محدث و فقیه نام برده شده، از عالمان و نویسندگان پرکار قرن دهم هجری و عهدشاه اسماعیل و شاه تهماسب است (۲۴، ۳۹۵/۳، ۱۶، ۵، ۱۹۲/۴، ۴۳/۵). **تاریخ وفات** وی بدرستی معلوم نیست، ولی تا سال ۹۵۵ هجری که کتاب خود با نام **لوامع الانوار** را نوشته، زنده بوده است (۱۲، ۱۵۷/۲). گویا او از شاگردان محقق کرکی علی بن عبدالعالی جبل عاملی (ف. ۹۴۰ هجری)، فقیه و عالم بزرگ عصر نخست صفویان بوده است. به گفته عبدالله افندی، زواره ای شاگرد غیاث الدین جمشید زواره ای، مفسر قرآن بوده و تفسیر را از وی آموخته است. تفسیر فارسی او که **تفسیر زواره ای** یا **ترجمه الخواص** نام داشته، مشتمل بر روایات معصومین می - شده است. وی همچنین تفسیر منسوب به امام عسکری را به فرمان شاه تهماسب ترجمه کرده است. زواره‌ای تلاش بسیاری در جهت فارسی سازی ادبیات دینی تشیع به کار بست که از فهرست آثار وی، آشکار است. از وی تعداد هجده کتاب نام برده شده که تقریباً همگی به فارسی است و نیمی از آنها را ترجمه‌های کتب متقدم شامل می‌شود که از آن جمله می‌توان شرح فارسی **نهج البلاغه** و **ترجمه صحیفه سجادیه** را نام برد (۲۴، ۳/ ۳۹۵). از آثار وی در موضوع مورد نظر ترجمه‌هایی از کتابهای **کشف الغمه فی معرفه الائمه** علی بن عیسی اربلی، **احسن الکبار فی مناقب ائمه** -

طوسی است. نسخه‌های متعددی از این کتاب به قلم نویسندگان مختلف موجود است که یکی از آنها نیز به قلم محمدشریف است (۲۱/ص ۱۹۸).

از مترجمان دیگر این دوره عماد الدین علی بن نجم الدین محمود، معروف به عماد الدین شریف قاری است که ساکن مازندران بوده است. به گفته عبد الله افندی، عمادالدین علی در عصر تهماسب معروف بوده و نزد او جایگاه والایی داشته است. عماد الدین مذکور نزد عالمان بزرگی کسب علم نموده و با واسطه از برخی علما پیشین چون علامه حلی (ف. ۷۲۶ هجری) و شهید ثانی (ف. ۹۶۶ هجری) اجازاتی دریافت کرده بود. او از شاگردان شهید ثانی و شیخ حسین بن عبد الصمد (ف. ۹۸۴ هجری) پدر شیخ بهایی روایت می‌کرد. چنان که از مشایخ عماد الدین پیداست، او در اوائل قرن یازدهم یعنی در دوره سلطنت شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ هجری) می‌زیسته است (۴، ۵/۳۷۲). بدین ترتیب، با فرض پذیرش گفته عبد الله افندی، می‌توان تصور نمود که عماد الدین علی دوره جوانی خود را در عهد شاه تهماسب گذرانیده و هم در این دوران شهرت و علمیت در خور توجهی یافته بود. از عماد الدین اثر خاصی در حوزه سیره و مناقب نام برده نشده است.

گرایش‌های فکری مترجمان

دانشمندان و نویسندگان شیعه از سده‌های پیش بر اساس دیدگاهشان در خصوص مبانی استنباط مسایل مذهبی به دو دسته اخباری (حدیث گرایان) و اصولی (عقل گرایان) تقسیم می‌شدند. در عصر صفوی نیز این دسته بندی وجود داشت و در کنار عالمان اصولی، مانند محقق کرکی و شیخ بهایی، محدثانی همچون محمد تقی مجلسی (مجلسی اول) و شیخ حر عاملی فعالیت داشتند. با ظهور مولی محمد امین

با نام **تحفه سلیمانیه** است که به نام شاه سلیمان صفوی انجام شد.

نعمه الله مشهدی رضوی

نعمه الله بن قریش رضوی حسینی مشهدی (ف. قرن دهم هجری) یکی دیگر از مترجمان این دوره است که اطلاع زیادی درباره او در دست نیست. وی را ادیبی متبحر در ادبیات عربی و دارای سبک پسندیده‌ای در نگارش فارسی دانسته‌اند که در علوم دینی نیز اطلاعات خوبی داشته است (۵، ۴/۲۶۷ و ۱۱، ۲/۸۵۲). ترجمه - ای از کتاب **کشف الغمه** اربلی به وی منسوب است.

مترجمان دیگر

محمدشریف، ملقب به خادم از مترجمانی است که در برگردان کتب سیره ائمه دست داشته و اثر او در این زمینه به نام **کفایه المؤمنین** ترجمه‌ای از کتاب **الخرائج و الجرائح** راوندی است. گویا او از نزدیکان شاه تهماسب صفوی بوده و به همین دلیل به لقب خادم شهرت یافته است. با توجه به این که او کتاب خود - **کفایة المؤمنین** - را برای یکی از سلاطین شیعه مذهب هند، به نام سلطان ابراهیم قطب شاه (ف. ۹۸۸ هجری) نوشته، احتمالاً مدتی را نیز در دربار وی سپری کرده بود. بر این اساس، باید وفات وی نیز پس از ۹۸۸ هجری بوده باشد. درباره اصل و نسب او آگاهی وجود ندارد، جز این که آقا بزرگ تهرانی با استناد به یک رباعی که محمد شریف در انتهای مقدمه کتابش آورده، احتمال داده است که شهرت یا تخلص شعری وی ابن حسام بوده یا پدرش حسام الدین نام داشته است (۱۰۰/۱۸). از آثار دیگر محمد شریف، بازنویسی کتاب **منهاج الصلاح فی اختصار المصباح** علامه حلی است که اختصاری از کتاب **مصباح المتجهد** شیخ

استرآبادی (ف. ۱۰۳۳ق) و تألیف کتابهای **الفوائد المدنیه** و **الفوائد المکیه** اخباریگری رونق بسیار یافت و شمار قابل ملاحظه‌ای از عالمان و نویسندگان این عصر به آن گرایش یافتند؛ چنان که تا پایان عصر صفوی بینش اخباری نگرش غالب به شمار می‌رود.

در خصوص گرایش اخباری و اصولی مترجمان مورد نظر، اظهار نظر صریحی در منابع رجالی و کتاب شناسی به چشم نمی‌خورد و خود این افراد نیز بروشنی در این باره سخن نگفته‌اند تا بتوان در این خصوص به داوری نشست. با این حال، بر اساس برخی شواهد مانند استادان و تألیفات آنان می‌شود احتمالاتی را مطرح کرد. البته، چون آگاهی‌های فراوانی از زندگی علمی برخی از این مترجمان در دست نیست، اظهار نظر درباره همه آنان کاری دشوار و شاید نشدنی باشد.

قابل بحث ترین مترجمان این عصر، حسن بن علی زواره‌ای است که با عناوینی چون فقیه و محدث توصیف شده است، ولی کاربرد کلمه محدث به تنهایی نمی‌تواند گرایش اخباری او - به معنای خاص آن که از زمان مولی محمد امین استرآبادی تداول یافت - را نشان دهد و اساسا او در دوره ای می‌زیست که هنوز اخباریگری - به این معنا - رونق نیافته بود. علاوه بر این، در بین استادان وی کسانی با این گرایش اخباری شدید به چشم نمی‌خورند. مشهورترین استادان وی محقق کرکی، فقیه اصولی معروف است که مدت شاگردی زواره‌ای نزد وی قابل توجه است. استادان دیگر وی غیاث الدین جمشید زواره ای و (احتمالا) ابو-الحسن جرجانی (ع، ۴/ ۲۷۰ و ۳۰۹) و سید عبدالوهاب حسین جرجانی نیز چنانکه از برخی تألیفات و شاگردان ایشان برمی‌آید گرایش اخباری نداشتند (نک: ۲۴، ۳/ ۳۹۴ و ۱۶، ۴/ ۱۹۲). شناخته شده‌ترین و پرآوازه‌ترین شاگردان زواره‌ای ملا فتح الله بن شکر الله

شریف کاشانی (ف. ۹۸۸ یا ۹۹۷ هـ ق) نیز با عنوان فقیه و متکلم نام برده شده است که حاکی از رویکرد عقل گرایانه وی است (نک: ۴، ۱۹۳/۲۳ و ۷/۱۸ و ۳۶ و ۳۳۴/۷).

درباره دیگر مترجمان نیز به همین گونه می‌توان اظهار نظر کرد. محمد مسیح کاشانی از شاگردان آقاحسین خوانساری، عالم متبحر معقول و منقول در زمان خود بود؛ چنانکه عمادالدین علی شریف قاری از شاگردان شهید ثانی (ف. ۹۶۶ هـ ق) و شیخ حسین بن- عبد الصمد (درگذشته ۹۸۴ هجری) به شمار می‌رفته و از ایشان اجازاتی دریافت کرده بود که همگی از فقیهان اصولی به شمار می‌روند. دیگر مترجمان نیز یا در دوره‌ای پیش از گسترش اندیشه اخباریگری می‌زیستند، مانند محمد شریف خادم و یا مانند نعمت الله مشهدی و نظام‌الدین غفاری از گرایشهای مذکور بدور بوده‌اند. بدین ترتیب، در برداشتی کلی می‌توان گفت که مترجمان مذکور گرایش اخباری - دست کم به معنای خاص آن - نداشتند. با این حال، باید تأکید کرد که به سبب دانسته‌های اندک درباره زندگی ایشان، قضاوت در این خصوص دشوار است.

بر همین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که گرایش اخباریگری تأثیری خاص بر ترجمه‌های انجام شده نداشته است. همچنین باید توجه داشت که در ترجمه متون، به سبب ماهیت کار - و البته چنانچه مترجم پایبند به اصول ترجمه و رعایت امانت بوده باشد - اساسا گرایش اخباری و اصولی تأثیرگذار نیست.

کتابهای ترجمه شده

توجه به فهرست نام کتب ترجمه شده در این دوره، نشان می‌دهد که مترجمان در کار خود اغلب کتابهایی با ارزش علمی و اعتبار قابل قبولی را انتخاب می‌کردند

کشف الغمه تقریباً نیم قرن پس از تألیف آن و به قلم حسن بن حسین سبزواری، نویسنده و مترجم قرن هشتم هجری انجام شد (۲۰، ورق ۲). در سده‌های متأخرتر نیز کتاب **کشف الغمه** بارها به فارسی ترجمه و منتشر شد. یکی از این موارد کتاب **سیر الائمه**، اثر میرزا محمد ملک الکتاب شیرازی است که به تاریخ ۱۳۰۸ هجری در بمبئی به صورت سنگی چاپ شده است (۴، ۱۲/۲۷۶).

کشف الغمه در دوره صفویه سه بار به فارسی ترجمه شد که خود گویای مقبولیت آن است. بعلاوه، اظهارات مترجمان این کتاب گویای همین نکته است. نعمت الله بن قریش رضوی حسینی مشهدی در مقدمه ترجمه‌اش، ضمن تقدیر از اقدامات شاهان صفوی در گسترش تشیع، **کشف الغمه** را جامعترین کتاب در ذکر مناقب و "احوال ائمه طیبین" می‌نامد (۳۱، ورق ۲). مترجم ناشناسی که برای دومین بار **کشف الغمه** را در عهد شاه تهماسب ترجمه کرده، آن را به عنوان "بهترین تألیف و زیباترین تصنیف، که مشتمل بر اخبار مشهوره و مقدمات مسلمه است که جاحدان مذهب را از تسلیم آن، گریزی و معاندان را از قبول آن، گزیری نیست" توصیف می‌کند (۷، ۳/۱۱۰۵). علی بن حسن زواره‌ای نیز در ترجمه‌اش از این کتاب بر اهمیت و اعتبار آن تأکید می‌نماید (۱۸، ورق ۱ و ۲، ۷، ۳/۱۱۰۸).

اولین ترجمه **کشف الغمه** در عهد صفوی در سال ۹۳۸ هجری به قلم علی بن حسن زواره‌ای (ف) احتمالاً ۹۸۸ هـ (ق) با نام **ترجمه المناقب** انجام شد. نسخه‌های خطی متعددی از این اثر، در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد و کتابخانه آیت الله مرعشی قم وجود دارد. این ترجمه، به سال ۱۳۸۱ هجری قمری در انتشارات اسلامیة تهران نیز به چاپ رسیده است. زواره‌ای در ترجمه **کشف الغمه** همچون اغلب کارهای

تا هم برای خوانندگان شیعه مذهب و هم مخاطبان اهل سنت مفید و قابل پذیرش باشد.

یکی از مهمترین و اولین این آثار کتاب **کشف الغمه فی معرفه الائمه** علی بن عیسی اربلی (ف) ۶۹۳ هـ (هـ) است. اربلی از نویسندگان و دانشمندان مکتب حله و از شاگردان سید ابن طاووس (در گذشته ۶۶۴ هـ) و ابن ساعی (ف) ۶۷۶ هـ) بود و کتاب او به دلیل اتقان آن در استفاده از مأخذ معتبر و نگرش نسبتاً عالمانه حاکم بر آن، کتابی ارزشمند به شمار می‌رود. نکته حایز اهمیت در این کتاب این است که اربلی چون این کتاب را با هدف آشنا ساختن اهل سنت با دوازده امام و در نتیجه مذهب تشیع نوشته، در تدوین آن حتی الامکان از منابع اهل سنت استفاده کرده است (۲، ۵/۱). این ویژگی کتاب برای اهداف ترویجی و تبلیغی دوره صفویه کارآیی خوبی داشت. علاوه بر این، اربلی در کتابش - به گفته خود او - از پرداختن به نزاعات و جدالهای مذهبی و ذکر مثالب و مطاعن مخالفان و دشمنان ائمه خودداری کرده است. او ضمن تأکید بر صحت این امور اظهار می‌دارد که از بیان آنها صرف نظر می‌کند، زیرا هدف او در این کتاب بیان مناقب و مزایا و فضایی است که خداوند به اهل بیت اختصاص داده تا از این طریق شاید کسانی را که نسبت به موالات ایشان غافلند، بیدار سازد و می‌گوید که بیان مسایل مذکور، از اهداف این کتاب نبوده و آن را به روز قیامت وا می‌نهد (همان، ۱۲۸). **کشف الغمه** پس از اربلی مقبولیت بسیاری یافت؛ به طوری که این کتاب از طریق دوازده تن از شاگردان اربلی و از جمله سه پسرش در سده‌های بعد نقل می‌شد (۹، ۲/۲۶، ۱۴۷، ۲۱۳، ۱۶۴، ۲۸۸، ۲۹۳ و ۳۵۶). شاهد دیگر بر مقبولیت **کشف الغمه** این که کتاب مذکور اندکی پس از نگارش به فارسی ترجمه شد. اولین ترجمه

وجود داشته که مترجم آن شناخته نشده و نسخه‌ای هم از آن به دست نیامده است (۷، ۳/ ۱۱۰۵).

الاحتجاج

کتاب **احتجاج** نوشته ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (ف. ۵۶۰هـ.ق) از آثاری است که مورد توجه مترجمان قرار داشت. طبرسی تألیفات متعددی داشت؛ از جمله کتاب الکافی در فقه و کتابهای **تاریخ الاثمه**، **تاج الموالد** و **فضل الزهراء** در سیره و مناقب. کتاب **الاحتجاج** از تألیفات معتبر در این باب نزد شیعیان بود که گفتار برخی از دانشمندان مبین این امر است. حرّ عاملی (ف. ۱۱۰۷هـ.ق)، با توصیف طبرسی به عنوان عالمی فاضل و فقیهی محدث و ثقه، کتابش را خوب و پرفایده می‌داند (۹، ۱۷/۲). محمد باقر مجلسی (ف. ۱۱۱۱هـ.ق) با وجود تصریح بر مرسل بودن اکثر اخبار احتجاج، می‌گوید که آن از کتب معروف است (۲۷، ۱/ ۱۸) و شیخ یوسف بحرانی (ف. ۱۱۸۶هـ.ق) با اشاره به ستایش سید بن طاووس از کتاب احتجاج تأکید می‌کند که بسیاری از متأخران، از آن اخذ کرده‌اند. خوانساری هم تأکید می‌کند کتابی معتبر و معروف نزد شیعیان بوده است (۱۶، ۱/ ۲۹). مترجم این کتاب در علت گزینش آن برای ترجمه، بیان می‌دارد که احتجاج طبرسی به سبب برخورداری از عبارات سلیس و پرمعنا و اشارات لطیف بر تألیفات بسیاری از بزرگان برتری یافته است. او همچنین کتاب را بحری مشحون به جواهر نفیسه و اقیانوسی مملو از فواید شریفه توصیف می‌کند که به فصاحت و بلاغتی کم نظیر آراسته شده است (۱۹/ ورق ۵). و همچنین به توصیه سید بن طاووس به پسرش، نسبت به مطالعه آن اشاره می‌نماید (همان، ورق ۶).

این کتاب در زمان شاه تهماسب و به فرمان وی با

ترجمه‌ای خود، از افزودن مطلبی بر محتویات کتاب خودداری نموده و فقط به ترجمه عبارات عربی بسنده کرده است. او تصریح می‌کند که در برگردان کتاب **کشف الغمه**، شیوه اختصار را در پیش گرفته و این امر را از طریق حذف برخی از تکرارها تحقق بخشیده است تا بر فایده هر مطلب بیفزاید (۱۸، ورق ۲) و در همین راستا، سلسله سند روایات را نیز حذف کرده است. وی در ترجمه خود علاوه بر ذکر الفاظ عربی آیات قرآنی، از اشعار فارسی کمک گرفته و در موارد متعددی به منظور زیبا ساختن عبارات و بیان مقصود خود، ابیات فارسی را آورده است. او همچنین اشعار عربی مؤلف را عیناً بازگو کرده و بعد به فارسی برگردانده است. از ویژگیهای ترجمه المناقب و دیگر ترجمه‌های زواره‌ای، عبارات فارسی روان و ساده و عاری از استعارات و صنایع ادبی است. این ترجمه، همراه با اصل عربی **کشف الغمه** به ضمیمه مقدمه‌ای از ابوالحسن شعرانی و تصحیح سید ابراهیم میانجی به چاپ رسیده است.

دومین ترجمه این کتاب به قلم نعمت الله بن قریش رضوی مشهدی (ف. قرن دهم هجری) است و فقط بخش مربوط به شرح حال پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) آن موجود است که باید جلد اول کتاب باشد؛ اما در مورد ترجمه جلد دوم آن به فارسی اطلاعی در دست نیست. نسخه‌ای از آن به شماره ۶۷۴۰ در کتابخانه مرعشی قم موجود است که تاریخ کتابتش سال ۹۵۵ هجری است. ظاهراً این کتاب برای یکی از امرا به نام شجاع‌الدین محمدخان نوشته شده که نعمه الله مشهدی از او با عنوانین "اعدل و اعقل امراء زمان شجاعاً للدوله و الدنيا و الدین" یاد می‌کند و او را مشوق خود در ترجمه کتاب می‌داند (۳۱/ ورق ۳).

گویا برگردان دیگری هم از کتاب **کشف الغمه**

قرآنی درصدد اثبات امامت دوازده امام برآمده است (نک: همان، ورق ۲-۶).

الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد

کتاب **الارشاد** شیخ مفید (ف. ۴۱۳ هـ.ق) یکی از مشهورترین و معتبرترین تألیفات در سیره دوازده امام است. شهرت و اعتبار این کتاب در بین شیعیان معلوم است؛ چنان که محمدباقر مجلسی درباره آن گفته که مشهورتر از مؤلفش است (۲۷/۱، ۲۷).

این کتاب توسط محمد مسیح کاشانی، با عنوان **تحفه سلیمانیه** و در سال ۱۰۸۷ هجری به فارسی برگردانده شد. نسخه خطی بازنویسی شده ای از آن در کتابخانه مرعشی قم به شماره ۷۲۳۰ در ۳۰۲ برگ موجود است که نام مستسخ و تاریخ کتابت آن معلوم نیست (۲۹، ورق ۱) و نسخه کامل این کتاب به صورت چاپ سنگی منتشر شده است (۳۰، ۲). محمد مسیح چنانکه در مقدمه کتاب می‌گوید، این ترجمه را به فرمان شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ هـ.ق) انجام داده و از این رو، آن را **تحفه سلیمانیه** نامیده است. او در این باب می‌گوید که چون شاه سلیمان: "در ارشاد طوایف انام به معرفت اجداد علیّه خلافت نظام نواب همایون خود - علیهم السلام - جد و جهد بلیغ و کوشش بی دریغ می‌فرماید ... بعد از علم بفوائد کتاب **ارشاد زبده علمای اعلام** ... شیخنا الاجل المفید محمد بن محمد بن نعمان بغدادی ... مقرر فرمود که نسخه مسطوره به عبارتی قریب بفهم و بیانی نزدیک بدرک از عربی نقل شود تا این که طوایف امم از عرب و عجم و سایر انام از خاص و عام از فیض فوائد آن مستفیض و مستفید گردیده و ..." و در ادامه اظهار می‌دارد که چون قرعه این کار به نام وی درآمد، کتاب را: "موسوم به **تحفه سلیمانیه** نمود" (نک: ۳۰، ۶). او درباره شیوه

نام **کشف الاحتجاج** ترجمه شده و به احتمال قوی مترجم آن علی بن حسن زواره‌ای بوده است که نسخه - ای از این کتاب به نام وی موجود است. اما نسخه موجود دیگر به نام ملا فتح الله کاشانی (ف. ۹۹۵ هـ.ق) شاگرد زواره‌ای است که البته در هیچ یک از نسخه‌های مزبور تصریحی بر نام مترجم وجود ندارد ولی با توجه به این که در کتب شرح احوال ضمن تألیفات زواره‌ای، به **کشف الاحتجاج** نیز اشاره گردیده، می‌توان احتمال داد که نسخه موجود به نام ملا فتح‌الله کاشانی رونویسی از کتاب استادش بوده باشد. احتمال دیگر این است که هر دو نفر به برگرداندن کتاب **الاحتجاج** اقدام کرده باشند.

مترجم در مقدمه کتاب ضمن بیان علت انتخاب این کتب برای ترجمه، اظهار می‌دارد که برای تعمیم فوائد کتاب برای عموم مردم و افزایش بهره‌وری آن برای خواص تلاش کرده تا در ترجمه این اثر، از تکلفات و تصنعات در عبارت پردازی خودداری کند و مطالب کتاب را که به سبب عبارات مشکل عربی دور از دسترس مردم مانده بود، در قالب عبارات ساده فارسی درآورد تا " دیده بینایان از جمال باکمال معانی آن محظوظ و دل نادانان از وصف عوارف معارف آن بهره‌مند گردد" (همان، ورق ۵). مترجم در کار خود رعایت امانت را نموده و بدون افزودن مطلبی از خود، به برگردان عبارات اکتفا کرده و حتی سلسله سند روایات را در ترجمه آورده است. در برخی موارد نیز اصل عبارات عربی را ذکر کرده و سپس به ترجمه فارسی آنها پرداخته است که این موارد بیشتر مربوط به آیات قرآنی و برخی احادیث مشهور، مانند حدیث لوح است (نک: همان، ورق ۳۶-۳۸). تنها مطلبی که مترجم از خود به کتاب افزوده است، مقدمه ای چند صفحه‌ای در بحث امامت است که در آن با ذکر ادله و شواهد

دیگر مترجمان در برگردان روایات عربی اسناد روایات را حذف نموده، در عوض از اشعار فارسی بهره برده است. نثر کتاب **کفایة المؤمنین** نیز روان و ساده است و در آن، صناعات ادبی و استعارات کمتری به چشم می‌خورد.

تأثیرات فارسی سازی

حرکتی که در جهت فارسی کردن متون مربوط به سیره آغاز شد، بر برخی ابعاد این گونه تألیفات تأثیراتی گذاشت که در بعضی موارد چندان خوشایند هم نبود. برخی از این تأثیرات در شیوه تدوین و برخی در ادبیات تألیفات پدید آمد که در ادامه درباره آنها خواهیم نوشت.

حذف نام منابع و اسانید روایات

یکی از تغییراتی که در ترجمه‌های فارسی این دوران به وجود آمد و ناشی از رویکرد تبلیغی نویسندگان این کتب بود، ذکر نشدن سلسله سند روایات مربوطه است که در همه تألیفات فارسی تقریباً به چشم می‌خورد. ذکر سند روایات که به طور معمول در همه کتب روایی رعایت می‌شد، از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا به نوعی تعیین کننده میزان وثاقت و اعتبار این کتب به شمار می‌رود. در حقیقت، فارسی نویسان چون کتابهای خود را برای طبقات عادی مردم می‌نوشتند، ضرورتی بر ذکر سند روایات نمی‌دیدند، از دیدگاه اینان، ذکر سند نه تنها سودی برای مخاطبانشان که عوام مردم بودند، دربر نداشت، بلکه موجب ملالت خواننده نیز می‌گردید؛ علاوه بر این که ذکر اسانید مکرر و طولانی، خود موجب حجیم و طولانی شدن کتاب می‌شد که این امر، با رویکرد تبلیغی و ترویجی نویسندگان این دوره که مبتنی بر خلاصه‌نویسی بود - و

ترجمه خود می‌گوید: "در تفسیر خطب و احادیث همه جا محاذات متن را مرعی داشته و در شرح عبارات مصنف طاب ثراه حاصل معانی را بر لوح بدیع بنیان تحریر و بیان نگاشت...". (همان) نثر کتاب، دشوار و آکنده از عبارت پردازیها و استعارات و کنایات است چنانکه به نظر می‌رسد مترجم را از مقصود کار دور ساخته است. او اشعار عربی موجود در متن کتاب ارشاد را - که قسمتهایی از روایات است - عیناً ذکر کرده، ولی از اشعار فارسی که در ترجمه های پیشین بسیار یافت می‌شود، در این جا خبری نیست. همچنین اکثر روایات، فاقد منابع، سلسله سند و نام راوی است.

الخرائج و الجرائح

کتاب **الخرائج و الجرائح** از کتب مناقب و معجزات و نویسنده آن ابو الحسین سعید بن عبد الله معروف به قطب الدین راوندی (ف. ۵۷۳ هـ.ق) فقیه، متکلم، مفسر و شاعر شیعی و صاحب تألیفات متعددی، چون **فقه القرآن، النوادر و الدعوات** است. معروفترین کتاب او همین **الخرائج و الجرائح** است که به بیان معجزات پیامبر اکرم و دوازده امام پرداخته است.

این کتاب را محمدشریف خادم با نام **کفایة المؤمنین** ترجمه کرده است و نسخه‌های مخطوط متعددی از آن، از جمله در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است (۲۸/ ورق ۱). به نظر می‌رسد که محمدشریف، **کفایة المؤمنین** را برای سلطان ابراهیم قطب شاه (درگذشته ۹۸۸ هجری) - از سلاطین هند - نوشته چنان که در نسخه‌ای از این کتاب که آقابزرگ تهرانی دیده، به نام وی اشاره شده است (۴، ۱۸/۱۰). او در ابتدای کتابش، به بیان علت انتخاب این کتاب برای ترجمه می‌پردازد و دلایلی همانند دیگر مترجمان این عصر اظهار می‌دارد (۲۸/ ورق ۲ و ۳). وی نیز همانند

جا محاذات متن را مرعی داشته...". (۲۹، ۶) با این حال، برخی مترجمان برای مفیدتر بودن ترجمه‌هایشان برای خوانندگان که اغلب از عوام مردم بودند، به خلاصه سازی‌هایی دست زده اند؛ مثلاً زواره‌ای در ترجمه **کشف الغمه** همانند اغلب کارهای ترجمه‌ای خود، از افزودن مطلبی بر محتویات کتاب خودداری نموده، ولی تصریح می‌کند که در برگردان این کتاب، شیوه اختصار را در پیش گرفته و این امر را از طریق حذف برخی از تکرارها تحقق بخشیده است تا بر فایده هر مطلب بیفزاید (۱۸، ورق ۲).

اما در خصوص دیگر پیامد ها و تأثیرات فارسی سازی متون مذکور، از جمله اثرگذاری بر عقاید مردم نمی‌توان اظهار نظر نمود، زیرا مطلب و نکته‌ای در این باره یافت نشد.

نتیجه

ترجمه کتب سیره و مناقب در راستای فعالیت‌های تبلیغی صفویان بسیار مفید واقع شد و موجب گردید تا مطالب این کتابها که بخشی از عقاید و باورهای شیعیان درامات را شامل می‌شود، در دسترس اقشار بیشتری از توده مردم قرار گیرد و به دنبال آن سطح آگاهی آنان ارتقا یابد. اما شیوه ترجمه این کتابها خالی از اشکال نبود و موجب بروز خسارات علمی گردید. یکی از آسیبهای این ترجمه‌ها، کاهش سطح علمی متون مورد نظر بود. از آن جایی که کتب سیره و مناقب، از جمله کتب روایی بوده و رعایت شیوه روایتگری در این کتابها بر ارزش و اعتبار آنها افزوده است؛ چنان که نویسندگان آنها همواره بر معرفی و تبیین منابع روایی و طرق روایت خویش توجه داشته‌اند، اما این امر در برگردان این کتب به فارسی، بنا به اقتضات کار، مورد بی توجهی واقع شده و در اغلب کتب مزبور، نام منابع

می‌توان از مقدمه برخی از این آثار بدان پی برد - مغایرت داشت. از این رو، مترجمان اغلب نام منابع و سلسله سندها را حذف می‌کردند.

گرایش به ادبیات حماسی

فارسی سازی متون بر ادبیات و نوع نگارش متون مربوط به سیره ائمه نیز تأثیراتی به جا گذاشت که در مجموع، برخی از این تألیفات را به سوی ادبیات حماسی سوق داد. این امر، موجب شد تا بتدریج و در سده‌های بعد کتابهایی به سیاق **ابومسلم نامه‌ها** پدید آید. در آثار این دوران، جلوه‌هایی از این نوع ادبیات در قالب به کار بردن الفاظ و عبارات شور انگیز ظاهر گشت. نمونه‌هایی از این امر را می‌توان در ترجمه‌های علی بن حسن زواره‌ای مشاهده نمود. او عبارات تجلیل آمیز و یا تحقیرکننده‌ای در خصوص شخصیت‌های تاریخی به کار برده که البته در متن عربی کتاب نبوده است و یا در شرح وقایع، عبارات و تفصیلاتی - خارج از متن عربی - را به کار برده که تا حدی شور و هیجان خواننده را برمی‌انگیزد. به نظر می‌رسد که او با این ویژگی ترجمه خود، مخصوصاً در بخشهای مربوط به نبردها که در آنها الفاظ مثبت و منفی برای افراد بیشتر به کار برده شده، سعی دارد رویارویی حق و باطل را به نحو محسوس تری به تصویر بکشد.

گذشته از تغییرات فوق، در محتوا و مضمون کتابهای ترجمه شده - با توجه به مقایسه متون عربی و ترجمه آنها با یکدیگر - تغییراتی در جهت افزودن بر مطالب و یا کاستن از آنها مشاهده نمی‌شود و به نظر می‌رسد مترجمان مورد نظر در رعایت امانت سعی و کوشش داشته‌اند؛ چنان که خود نیز بر این نکته تصریح کرده‌اند. برای مثال، محمد مسیح کاشانی درباره شیوه ترجمه خود می‌گوید: "در تفسیر خطب و احادیث همه

۶- جرجانی استر آبادی، سید یوسف علی بن محمد، **فوحات القدس**، قم: نسخه خطی به شماره ۵۵۵ موجود در کتابخانه مرعشی.

۷- جعفریان، رسول. (۱۳۷۹ش). **صفویه در عرصه دین و فرهنگ و سیاست**، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۸- چلپی، حاجی خلیفه. [بی تا]. **کشف الظنون**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۹- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). **امل الآمل**، تحقیق سید احمد حسینی، بغداد: مکتبه الاندلس.

۱۰ حسین زاده شانه چی، حسن. (۱۳۸۵). تأثیر حاکمیت صفویان بر کتاب‌های سیره و مناقب دوازده امام، **مجله تاریخ و تمدن اسلامی**، سال دوم، شماره چهارم.

۱۱- حسینی، سید احمد. (۱۴۱۳ق). **تراجم الرجال**، قم: مکتبه آیه الله مرعشی.

۱۲- _____ (۱۴۰۲ق). **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی**، قم: مکتبه السید الگلپایگانی.

۱۳- حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۱ق). **ایضاح الاشتباه**، تحقیق محمد حسون، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۱۴- _____ (۱۳۸۱ق). **خلاصة الاقوال**، نجف، حیدریه، چاپ دوم.

۱۵- حموی، محمد بن اسحاق. (۱۳۶۳ش). **انیس المؤمنین**، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: بنیاد بعثت.

۱۶- خوانساری، محمدباقر. (۱۳۹۰ق). **روضات الجنات**، تهران.

۱۷- الرفاعی، عبد الجبار. (۱۴۱۶ق). **معجم ما کتب عن الرسول واهل بيته**، قم: مؤسسه اهل البيت.

۱۸- زواره ای، علی بن حسن. (۱۶۳۱). **ترجمه**

و نیز طرق روایات - به جهت خلاصه‌سازی - حذف شده است. به طور طبیعی، نبود نام منابع و طرق روایت به نوبه خود ارزیابی روایات را دچار اختلال می‌کند. همچنین شیوه نگارش فارسی در کتابهای ترجمه شده موجب تغییراتی در مطالب کتابها شده است که هرچند بر مضامین اصلی و محتویات آنها صدمه نمی‌زند، ولی کتاب را از مقصود خود دور می‌کند.

پی نوشت

۱- آقا حسین بن جمال‌الدین محمد خوانساری، دانشمندی مشهور و از خاندان علم و فضل بود که از عالمان بزرگی چون محمد تقی مجلسی و مولی حیدر- بن محمد خوانساری کسب علم و اخذ اجازه کرده بود و شاگردان برجسته‌ای در علوم معقول و منقول داشت. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد این شهر به خاک سپرده شد (۴، ۱۰۵/۱ و ۱۶۳ و ۳۰۸).

منابع

۱- اردبیلی، حسین بن شرف‌الدین عبدالحق. (۱۳۸۰ش). **تاج المناقب**، تحقیق عباس میرزایی اصل، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

۲- اربلی، علی بن عیسی. (۱۴۰۵ق). **کشف الغمه فی معرفه الائمه**، ج ۱، بیروت: دارالاضواء، چاپ دوم.

۳- سید اعجاز حسین. (۱۴۰۹ق). **کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و المنقار**، قم: مکتبه آیه الله مرعشی.

۴- تهرانی، آقابزرگ. (۱۴۰۳ق). **الذریعه الی تصانیف الشیعه**، بیروت: دارالاضواء.

۵- _____ (۱۴۱۱ق). **طبقات اعلام الشیعه**، بیروت: دارالاضواء.

۳۱- مشهدی، نعمه الله بن قریش: ترجمه کشف الغمه، مخطوط به شماره ۶۷۴۰، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.

۳۲- ورامینی، محمد بن ابی زید بن عربشاه: احسن الکبار فی مناقب الائمة الاطهار، مخطوط به شماره ۳۰۰۸، قم: کتابخانه مرعشی.

المناقب، مخطوط به شماره، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.

۱۹- _____ . کشف الاحتجاج، مخطوط

به شماره ۲۱۲۳، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.

۲۰- سبزواری بیهقی، حسن بن حسین: ترجمه کشف الغمه، مخطوط به شماره ۱۲۱۹۸، قم: کتابخانه مرعشی.

۲۱- طباطبایی، سید عبدالعزیز. (۱۴۱۶ق). مکتبه لعلامه-

لحلی، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

۲۲- طبرسی، احمد بن علی. (بی تا). الاحتجاج، تحقیق

سید محمدباقر خراسان، دار النعمان.

۲۳- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). فهرست

کتب الشیعه و اصولهم، قم: تحقیق عبدالعزیز طباطبایی.

۲۴- عبدالله افندی. (۱۴۰۱ق). ریاض العلماء و حیاض

الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی اشکوری، قم:

مرعشی.

۲۵- عکبری بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان. [بی

تا]. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم،

مؤسسه آل البيت.

۲۶- غفاری، نظام الدین احمد: ترجمه احتجاج،

مخطوط به شماره ۳۲۱، قم: کتابخانه مرعشی.

۲۷- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار،

بیروت: مؤسسه الوفا.

۲۸- محمدشریف ملقب به خادم، کفایة المؤمنین فی

معجزات ائمه المعصومین، مخطوط به شماره ۹۵۲۷،

مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.

۲۹- محمد مسیح: ترجمه الارشاد، مخطوط به شماره

۷۲۳۰، قم: کتابخانه مرعشی.

۳۰- _____ . (۱۳۰۳ش). تحفه سلیمانیه، به

تصحیح آخوند ملاعلی محمد فرزند ملامعصوم

مشهدی.

